

Separation of Partners from the Economic Group With Common Interests from the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law

Hassan Mirzahosseini ¹, Hamid Reza Oloumi Yazdi ^{2*}, Nasser Masoudi ³

1. PhD student in private law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 179-196

Article history:

Received: 18 May 2023

Edition: 22 Jun 2023

Accepted: 02 Aug 2023

Published online: 23 Mar 2024

Keywords:

economic group, common interests, dismissal, bankruptcy, termination of the subject, profiting of the subject.

Corresponding Author:

Hamid Reza Oloumi Yazdi

Address:

Iran, Tehran, Allameh Tabatabai University, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences

Orchid Code:

0000-0003-1591-2929

Tel:

09164467459

Email:

holoumiyazdi@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The economic group with common interests is not very old in Iran's internal law, and for this reason, some aspects of it, such as the separation of partners from the economic group, are ambiguous. Based on this, the purpose of this article is to examine the separation of partners from an economic group with common interests from the perspective of Iranian jurisprudence and law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical and library method is used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Results: The causes of dissolution of an economic group can be separated jointly and individually, common causes such as expiry of the term, termination of the subject, bankruptcy, liquidation for expression of will and judicial liquidation. One of the specific reasons that can be divided into two categories of natural or legal person is death or death and legal prohibition can cause the dissolution of the economic group. The bankruptcy liquidation of a legal entity also causes the liquidation of the economic group. This dissolution causes the purification of the group.

Conclusion: The condition of limiting the partners' authority in transferring the share of the company and withdrawing from the group and the decision to fire the partner by other partners does not conflict with the general principles of jurisprudence and rights such as the rule of subordination.

Cite this article as: Mirzahosseini H, Oloumi Yazdi H, Masoudi N. *Separation of Partners from the Economic Group With Common Interests from the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه و حقوق ایران

حسن میرزاحسینی^۱، حمید رضا علومی یزدی^۲، ناصر مسعودی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: گروه اقتصادی با منافع مشترک در حقوق داخلی ایران قدمت چندانی ندارد و به همین دلیل برخی ابعاد آن مانند جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی دارای ابهام است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه و حقوق ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: علل انحلال گروه اقتصادی به صورت مشترک و به صورت اختصاصی قابل تفکیک است، عللی مشترک نظیر انقضا مدت، انتفاء موضوع، ورشکستگی انحلال برای ابراز اراده و انحلال قضایی است. از علل اختصاصی قابل تفکیک به دو دسته شخص حقیقی یا حقوقی است فوت یا حجر و ممنوعیت قانونی می‌تواند باعث انحلال گروه اقتصادی شود. انحلال ورشکستگی شخص حقوقی نیز باعث انحلال گروه اقتصادی می‌شود. این انحلال موجب تصفیه گروه می‌شود.

نتیجه: شرط محدود کردن اختیار شرکاء در انتقال سهم‌الشرکه و کناره‌گیری از گروه و تصمیم به اخراج شریک توسط سایر شرکاء، مغایرتی با اصول کلی فقهی و حقوقی مانند قاعده تسلیط ندارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۱-۱۹۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

واژگان کلیدی:

گروه اقتصادی، منافع مشترک، اخراج، ورشکستگی، انتفاء موضوع، انتفاع موضوع.

نویسنده مسئول:

حمید رضا علومی یزدی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق

تلفن:

09164467459

کد ارکید:

0000-0003-1591-2929

پست الکترونیک:

holoumiyazdi@yahoo.com

۱. مقدمه

قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک پیمانی نسبتاً جدید در حقوق قراردادهای و تجارت ایران است. اولین بار لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ این نیاز را صراحتاً مورد نظر قرار داد و در فصل پنجم باب سوم به پیش‌بینی مقررات نسبتاً مفصلی پیرامون موضوع گروه‌های اقتصادی با منافع مشترک پرداخت. اما تأخیر طولانی مدت در تصویب این لایحه، سیاست‌گذاران حوزه اقتصاد را بر آن داشت تا با استفاده از ظرفیت قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، این نهاد حقوقی - اقتصادی را تنها با یک ماده موجز رسماً وارد مقررات قانونی کشورمان کنند (امام، ۱۳۹۳، ۷۹) که قطعاً کافی و وافی به مقصود نیست. بنابراین، باید اذعان داشت که خلاء مقرراتی راجع به گروه‌های مزبور کماکان در نظام حقوقی ما وجود دارد (بردبار، ۱۳۸۶، ۹۸). قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه از ویژگی موقتی بودن برخوردار است و قانون موقت نمی‌تواند جایگاهی برای پیش‌بینی نهادهای اقتصادی باشد. لذا همین جهت قانون‌گذار را بر آن داشت تا این ماده را با تغییرات جزئی در ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶ مورد تصویب قرار دهد (بردبار، ۱۳۸۶، ۲۵). اما تبدیل این حکم به یک قانون دائمی و این معضل موقت را به یک معضل دائمی و پیچیده‌تر تبدیل کرد (فرحناکیان، ۱۳۹۷، ۸-۲). در مقررات فعلی علاوه بر ماده فوق، تنها قانونی که در این خصوص وجود دارد ماده قانونی فوق‌الذکر و بند ۱۰ ماده ۱ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ است که اصطلاح گروه اقتصادی با منافع مشترک را مطرح نموده است. از جمله مهم‌ترین ابهاماتی که در خصوص گروه

اقتصادی با منافع مشترک وجود دارد مسئله آزادی اراده شرکاء در جدا شدن از گروه یا ماندن در آن است. به ویژه در اعمال محدودیت‌های قراردادی در امکان جدا شدن آزادانه از گروه و مسئولیت ناشی از آن و نیز اخراج شریک بنا به تصمیم سایر شرکاء؛ اهمیت این مسئله بیشتر آشکار می‌شود به طوری که شروط قراردادی مانع جدا شدن یک شریک می‌شود و یا جدا شدن او سبب خاتمه قرارداد گروه می‌گردد و این امر دشواری‌های متعددی برای سایر شرکاء و دیگر اشخاص طرف قرارداد با گروه ایجاد می‌کند. در نتیجه این سؤال قابل طرح است که جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه و حقوق ایران چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه سپس از دیدگاه حقوق موضوعه بررسی می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

علل انحلال گروه اقتصادی به صورت مشترک و به صورت اختصاصی قابل تفکیک است، عللی مشترک نظیر انقضا مدت، انتفاء موضوع، ورشکستگی انحلال برای ابراز اراده و انحلال قضایی است. از علل اختصاصی قابل تفکیک به دو دسته شخص حقیقی یا حقوقی است فوت یا حجر و ممنوعیت قانونی می‌تواند باعث انحلال گروه اقتصادی شود. انحلال ورشکستگی شخص حقوقی نیز باعث انحلال گروه

متضمن نتایجی است که التزام به آن خالی از مشکل نخواهد بود. نگارنده در پایان این بحث، مسئله را از این لحاظ نیز مورد توجه قرار خواهد داد.

در خصوص جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه باید گفت که هرگاه از مسئله لزوم و جواز عقود شرکت بحث می‌شود، بلافاصله ذهن به قاعده فقهی «اصالة اللزوم» یا «اصل لزوم قراردادها» معطوف می‌گردد: شیخ انصاری در دومین بحث مقدماتی مبحث «خيارات و اقسام و احکام آن» در مکاسب، از قول مرحوم علامه و عده‌ای از فقهای بعد از وی نقل کرده است که: «اصل در بیع، لزوم است» (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۶۳). زیرا، شارع این عقد را مفید نقل ملک، و سبب آن قرار داده است. وانگهی، غرض و هدف نهایی از بیع این است که هر یک متعاقدين باید متمکن از تصرف در مالی باشند که به آنان منتقل شده است و این امر، فقط با لزوم عقد سازگار است، تا منتقل الیه درمورد تصرفات خود، با ایراد خدشه و اخلاقی از جانب ناقل مال، مواجه نشود (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ۱۳).

شیخ سپس به استقراء معانی اصل و منظور فقها از آن در این قضیه پرداخته و می‌گوید منظور از «اصل» در این جا ممکن است این موارد باشد: ۱- رجحان و غلبه (اغلبیت) ۲- قاعده مستفاد از عمومات ۳- استصحاب ۴- معنی لغوی لزوم، آنگاه هریک را مورد بحث و مناقشه قرار داده و سپس در تثبیت و تعلیل اصالة اللزوم، به موارد متعددی از نصوص کتاب و سنت متوجه شده و هر یک را به‌طور مستقل ذکر و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ۲۳-۱۳). آیاتی از قبیل «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱)، «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره، ۲۷۵) اطلاق آیه «حلیت و جواز

اقتصادی می‌شود. این انحلال موجب تصفیه گروه می‌شود.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک از منظر فقه

فقهای امامیه در قرون اخیر بعضاً مسئله ماهیت لزوم و جواز عقود شرکت را اجمالاً محل توجه قرار داده‌اند: عده‌ای از فقها لزوم و جواز را ناشی از حکم قانون می‌دانند (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ۱۸). مرحوم شیخ انصاری در بحث از دلالت آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱) در مورد لزوم عقود می‌گوید: لزوم و جواز از احکام شرعی عقودند. و قطع نظر از حکم شارع، هیچ‌یک، از مقتضیات عقود نیستند (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ۱۸). سخن به این معنی است که عقود فی‌نفسه و قطع نظر از حکم شارع، نه اقتضای لزوم دارند و نه اقتضای جواز. لذا اوصاف لزوم و جواز حکم قانون تلقی می‌شوند.

برخی دیگر از فقها، لزوم و جواز عقود شرکت را از خصائص قانون و به عبارت بهتر ناشی از حکم شرع نمی‌دانند، بلکه معتقدند این اوصاف ناشی از عرف تلقی می‌شوند، زیرا، عقودی از قبیل وکالت، شرکت مدنی، وصیت و نظایر آن قبل از حکم شرع نیز در عرف جایز بوده‌اند، هم‌چنان که بیع و اجاره و نکاح و سایر عقود معاوضی قبل از حکم شرع لازم بوده‌اند (میرزای نائینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ۴). سخن مزبور به این معنی است که حکم شارع در خصوص لزوم و جواز عقود شرکت به معنی تأیید عمل عرف و نتیجتاً حکمی «امضایی» است نه «تأسیسی». به نظر می‌رسد این نظریه در مورد امضایی دانستن اوصاف لزوم و جواز عقود شرکت، سخن صوابی است ولیکن در عین حال، تابعیت لزوم و جواز از عرف، بعضاً

است نه در مقام رفع تحیر و بلا تکلیفی» (شهیدی، ۱۳۸۳، ۲۱۳).

معنا و مفهوم اصل لزوم در اصطلاح حقوقی آن است که، هرگاه قراردادی صحیحاً منعقد شد، اصل بر آن است که بین طرفین لازم الاتباع می‌باشد و باید به تعهداتی که ضمن آن نموده‌اند، وفادار باشند. بنابراین هر عقد و قراردادی که به جاز بودن آن تصریح نشده باشد، لازم است و هیچ یک از طرفین نمی‌توانند آن را برهم زنند، مگر در موارد مشخص و معین. بر این اساس هیچ یک از شرکا امکان خارج شدن از توافقاتی که در قالب یک گروه داشته است ندارد.

اما در فقه یک قاعده دیگری به نام تسلیط مطرح است که به وی اختیار عمل در خصوص اموال خود را می‌دهد. مفاد قاعده تسلیط سلطه مالک است بر مال خود و چون سلطه مالک مطلق است و مقید به بعضی از تصرفات نشده است، لذا اقتضا می‌کند عموم تسلط مالک را بر انحصاری تصرفات در مال خود، و لازمه عموم تسلط مالک عدم جواز تصرف غیر مالک است چرا که جواز تصرف غیر مالک بدون رضای مالک با عموم تسلط مالک منافات دارد و بالنتیجه، حدیث دلالت دارد بر آن که مالک اصلی پس از انتقال و قطع سلطه او، نتواند مجدداً رجوع کند و در مال تصرف نماید و این است معنای لزوم زیرا طرف مقابل را از اقدام به فسخ و تصرف در عین ممنوع می‌سازد. از منظر فقهی قاعده تسلیط تبیین‌کننده جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک است. «اصل تسلیط که به قاعده سلطنت نیز مشهور است و ماده ۳۰ ق. م از آن پیروی کرده، بر مبنای حدیث مشهور «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌باشد. به این معنی که مردم همه گونه تصرف و سلطنت بر اموال خود دارند لذا به واسطه این رابطه و تسلط، مالک هر

اکل مال ناشی از تجارت بر مبنای تراضی و حرمت اکل مال به باطل» (بقره، ۱۸۸) و اخبار و روایات متعددی از قبیل «لایحل مال امرئ مسلم...»، «الناس مسلطون علی اموالهم»، «المؤمنون عند شروطهم»، «البیعان بالخیار مالم یفترقا و إذا افترقا وجب البیع» به عنوان مبنای این اصل در کتاب و سنت، مورد توجه بوده و شیخ در مورد آن‌ها اظهار نظر کرده است. این استنادات به عنوان مبنای اصل لزوم در فقه امامیه، از جانب فقهای دیگر و شاگردان شیخ به طور مبسوط مورد بحث و بررسی و مناقشات علمی قرار گرفته (حسینی مراغه‌ای ۱۴۱۸، ج ۲، ۴۵-۳۷؛ نراقی، ۱۴۲۰، ج ۱، ۴۰-۲۴)؛ و با وجود همه نقض و ابرام‌ها و مناقشات علمی، در نهایت «اصالة اللزوم» به عنوان یکی از قواعد فقه امامیه، برای همه ما نامی آشنا است.

با توجه به سابقه و تثبیت قاعده کلی «اصالة اللزوم» در کتب فقه و نیز قواعد فقه دانشمندان فقه امامیه، اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان حقوقی کشور ما نیز اصل را مورد توجه قرار داده و با توجه به مدلول ماده ۲۱۹ قانون مدنی، اصل مزبور را در حقوق مدنی، اصلی مسلم و متکی به ماده فوق می‌دانند (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۹۷؛ بروجرودی، ۱۳۸۱، ۹۸). هم‌چنان که برخی از استادان حقوق مدنی، به درستی اظهار عقیده کرده‌اند؛ «مفاد اصل لزوم عقود، یک حکم ظاهری، نظیر آن - چه در اصول عملی انعکاس دارد، نیست و این اصل منحصرأ برای رفع سرگردانی در موارد مشکوک وضع نشده، بلکه حکمی است واقعی که از ضروریات زندگی معاملاتی جامعه ریشه گرفته و برای عقود ثابت شده است به این جهت ماده ۲۱۳ قانون مدنی و عموماً فقهی در موقعیت وضع یک حکم واقعی قانونی، لزوم را به عقود نسبت داده

۳) شیوه‌های جدا شدن شرکاء از گروه اقتصادی با منافع مشترک
شرکای گروه اقتصادی بنا به علل و جهات مختلفی از جمله اخراج و جانشینی (انتقال ارادی سهم‌الشرکه و واگذاری حقوق به دیگری) و در برخی موارد کناره‌گیری، از گروه جدا می‌شوند که به طور مختصر به توضیح موارد آن پرداخته می‌شود:

۵-۲. انقضای مدت

مدت فعالیت گروه اقتصادی با منافع مشترکی که قانون‌گذار در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه به آن اشاره کرده مدت محدودی است به این معنی که گروه با شرایط در نظر گرفته شده در این ماده طی یک مدت محدود شروع به فعالیت می‌نماید. بنابراین برخلاف مقررات عام تشکیل شرکت‌های تجاری که می‌توانست به صورت نامحدود هم باشد نمی‌توان گروه اقتصادی را برای مدت نامحدود ایجاد کرد اما به نظر می‌رسد می‌توان دوره محدود را طولانی قرارداد. این مورد در ماده ۱۱۷ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ به چشم می‌خورد که با انقضای مدت، گروه اقتصادی با منافع مشترک منحل تلقی شده بود».

برخی بر این باورند که می‌توان گروه اقتصادی را برای یک دوره نامعین تشکیل داد و تعیین مدت را لازم ندانسته‌اند. در عین حال می‌توان گفت تمامی سیستم‌های حقوقی بر این باورند همانند شرکت‌های تجاری هرگاه برای گروه اقتصادی با منافع مشترک مدت تعیین گردد در صورت سر آمدن این مدت گروه منحل خواهد شد» (حقانی، ۱۳۹۱، ۲۲۲). اما این در حالی است که اعضا از این اختیار برخوردار هستند که پیش از سررسید این مدت، نسبت به تمدید آن اقدام نموده و در نتیجه از انحلال گروه پیشگیری نمایند برای تمدید گروه

نوع تصرف و انتفاعی را که بخواهد می‌تواند از مایملک خود ببرد. به عبارت دیگر مالک در مال خود به هر شکل ممکن، شرعاً و قانوناً مجاز بوده که هر اقدام لازم و دلخواه را به عمل آورد مگر در مواردی که محدودیت‌های قانونی بر مالکیت وارد شده باشد» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۰، ۴۳). «به عبارت دیگر به موجب این اصل، اختیار مالک در تصرف و انتفاع از ملک خویش تأیید شده است. البته این اختیار گسترده در حقوق کنونی استثنای فراوانی یافته و اعتبار و توان آن به سود منافع عمومی و اجرای عدالت کاسته شده است و در ماده ۱۳۲ قم و اصل ۴۰ ق. ا. به برخی از این محدودیت‌ها اشاره شده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱۰۵). هر انسانی بر اموال خودش سلطه دارد و هر عملی که بخواهد می‌تواند روی آن‌ها انجام دهد و آن‌ها را به دلخواه خود استخدام درآورد ولی این منافات ندارد به اینکه قاعده مذکور با حدود خاصی محدود شده و یا با قیود گوناگون از دایره‌ی نفوذان کاسته شده و با استثنائات زیادی از طریق سیره و بناء عقلا وارد شده و طبق احکام شرع گستره شمول آن محدود شود چراکه تأمین مصالح جمع ایجاب می‌کند که «حق مالکیت خصوصی افراد را که به موجب قاعده تسلیط مصون از تعرض است، مورد دست‌اندازی قرار گیرد و مالکیت آن‌ها محدود شود و حتی حق مالکیت آن‌ها را نادیده بگیرد و یا نسبت به هرگونه تملیک و تملک آن‌ها محدودیت ایجاد کند» (عباسی داکانی، ۱۳۸۲، ۹۰-۲۳). بنابراین به موجب قوانین و مقررات و برابر شروط ضمن عقد طرفین می‌تواند توافق نمایند حق مالکیت آن‌ها نسبت به برخی امور محدود و یا در صورت نقض تعهد و عدم اقدام به موقع تعهدات و تکالیف قراردادی موجبات سلب حق فراهم گردد.

عنوان یکی از مندرجات الزامی قرارداد تشکیل گروه اقتصادی در قانون فرانسه به شمار می‌رود. اما با توجه به مواد قانونی موجود در این خصوص، به نظر می‌رسد در قوانین مستند و لازم‌الاجرای ایران به این نکته به طور صریح هیچ اشاره‌ای نشده است. قانون‌گذار تنها در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه به محدود بودن فعالیت گروه اقتصادی با منافع مشترک اشاره داشته است. در رابطه با انتفاء موضوع گروه اقتصادی با منافع مشترک به نظر می‌آید به طور ضمنی می‌توان این مورد را از علل مشترک انحلال در گروه اقتصادی محسوب نمود. به عبارت دیگر؛ انتفاء موضوع در تمامی نهادهای حقوقی یکی از موجبات آشکار انحلال به شمار می‌آید در این زمینه می‌توان گفت قانون‌گذار به دلیل بدهی بودن این مورد به‌طور صریح به این موضوع اشاره‌ای نداشته است.

در ماده ۱۰۸ لایحه پیشنهادی ۱۳۸۴ نسبت به تعیین موضوع و مدت فعالیت گروه اقتصادی اشاره شده است و به نوعی الزام‌آور بودن تعیین موضوع گروه و تعیین مدت فعالیت گروه را مورد توجه قرار داده بود، در حقوق فرانسه موضوع فعالیت گروه اقتصادی باید معین و مشخص و قابلیت انجام داشته باشد، بنابراین در صورتی که انجام موضوع منتفی گردد از موجبات انحلال اشخاص حقوقی به ویژه شرکت‌های تجاری مطرح است. این مورد در ماده ۱۹۷ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ به آن اشاره شده بود که البته اگرچه قابلیت استناد ندارد اما می‌توان متوجه شد که نویسندگان حقوقی با توجه به قوانین فرانسه به این علت از انحلال گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز توجه داشته‌اند.

مطابق ماده ۱۷ پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ مقرر داشته است: «گروه اقتصادی با منافع مشترک در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱- با انقضای مالکیت

هر حد نصابی که در قرارداد تعیین شده باشد همان رعایت می‌شود در غیر این صورت باید اتفاق آراء اتخاذ گردد. این مورد که از قوانین موجود در فرانسه گرفته شده است و نویسندگان حقوقی در ماده ۱۱۰ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ به آن اشاره کرده بودند اگرچه در لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۹۱ این مواد حذف گردید اما می‌توان برداشتی داشت از باور تهیه‌کنندگان لایحه پیشنهادی و قرائن و شواهدی دانست در راستای تأیید این نظریه.

ماده ۱۱۰ لایحه پیشنهادی ۱۳۸۴ مقرر داشته است: «اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد تعیین مدیران، نحوه اداره گروه، انحلال پیش از موعد، افزایش یا کاهش در حقوق و تعهدات اعضاء گروه و یا تمدید مدت در صلاحیت اعضاء آن می‌باشد. شیوه تصمیم‌گیری و از جمله موارد ذیل باید در قرارداد مشخص شود».

الف- تعداد آرای که به هر یک از اعضاء تخصیص داده شود. ب- حدنصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات. ج- حدنصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسات. در صورت سکوت قرارداد در مورد بند الف هر عضو یک رأی دارد و در مورد بند ب و ج تصمیمات باید با اتفاق آراء اتخاذ گردد. جلسات به درخواست یک چهارم اعضای گروه لزوماً باید تشکیل شود. تبصره: اتخاذ تصمیم در موارد ذیل باید به اتفاق آراء انجام شود مگر اینکه در قرارداد اکثریت دیگری پیش‌بینی شده باشد: ۱- انحلال پیش از موعد گروه اقتصادی؛ ۲- افزایش یا کاهش در حقوق یا تعهدات اعضاء گروه؛ ۳- تمدید صفت پس از انجام موضوع قرارداد».

۵-۳. انتفاء موضوع

همان‌طور که در قوانین موجود ملاحظه می‌گردد تعیین موضوع گروه اقتصادی با منافع مشترک به

او را فراهم می‌سازد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۵-۳-۱. نقض اساسی تعهد

در هنگام تنظیم قرارداد باید توجه نموده که آیا طرفین مایلند نقض اساسی قراردادها اعم از اصلی و جانبی نیز از اسباب خاتمه محسوب شود یا خیر (خبره، ۱۳۸۰، ۱۱۲). هر یک از طرفین که مبادرت به نقض تعهدات نماید، موظف به جبران خسارت است. قرارداد نمونه مدت زمانی برای این جبران خسارت تعیین نکرده است. اینکه بخواهیم مدت زمانی را به صورت مطلق تعیین کنیم، دشوار است. به همین دلیل است که توافق پیشنهاد یک قضاوت منطقی برای طرفین در یک دوره‌ی مناسب می‌شود. زمان معقولی که برای این مسئله در نظر گرفته می‌شود، ممکن است از سوی دادگاه یا داوری تعیین شود. رویه‌ی محروم کردن طرف مقصر از جریان سرمایه‌گذاری تنها زمانی در دستور کار قرار می‌گیرد که وی نتواند به نسبت به انجام تعهدات خود و رفع قصورات خویش بپردازد.

«در صورت نقض اساسی قرارداد از سوی یکی از شرکاء، ضمانت اجراهای متنوعی ممکن است در قرارداد پیش‌بینی شود؛ از جمله این ضمانت اجراها می‌توان به فسخ قرارداد از سوی سایر شرکاء یا خاتمه شراکت با شریک متخلف و اخراج او اشاره کرد. در صورت نخست با نقض اساسی قرارداد از سوی یک شریک، سایر شرکاء مجتمعا و منفرداً قادرند، قرارداد را فسخ و به مشارکت خاتمه دهند. اعمال ضمانت اجرای اخراج منجر به خاتمه قرارداد گروه نمی‌شود، بلکه صرفاً به شراکت شریکی که مرتکب نقض اساسی قرار داده‌شده است، خاتمه داده می‌شود» (اخلاقی؛ امام، ۱۳۸۵، ۲۷۲).

گروه. ۲- با انجام موضوع گروه یا غیرممکن شدن انجام آن. ۳- با تصمیم اعضاء گروه اقتصادی با رعایت شرایط. «درواقع در دومین بند به انجام موضوع گروه یا غیرممکن شدن انجام آن که موجبات انحلال گروه اقتصادی با منافع مشترک فراهم می‌کند اشاره شده است. این در حالی است که اعضا می‌توانند بیش از انجام یافتن موضوع یا از بین رفتن آن نسبت به تغییر موضوع گروه با رعایت شرایط تعیین شده برای تغییر قرارداد گروه اقدام نموده و از انحلال مزبور و در نتیجه انحلال گروه اقتصادی جلوگیری کند. در هر حال با انجام موضوع گروه و یا غیرممکن شدن انجام موضوع گروه لزوماً گروه منحل خواهد شد و حتی تصمیم اعضا نمی‌تواند موجب تداوم حیات و شخصیت حقوقی برای گروه اقتصادی شود.

۵-۴. اخراج

اخراج از نظر قرارداد گروه، می‌تواند به دلیل از دست دادن اعتماد متقابل در مواردی مانند سوء استفاده یا استفاده نامناسب از حقوق، تقلب یا عدم صداقت، و به طور کلی تراز دست دادن روح همکاری در میان طرفین، در نظر گرفته شود. در چنین مواردی ممکن است کار در سرمایه‌گذاری مشترک ناکارآمد گردد و اخراج ممکن است یک راه حل مناسب باشد (جنیدی، ۱۳۸۷، ۱۵۴). افزون بر این در برخی موارد ممکن است در قرارداد پیش‌بینی شود که در صورت بروز حوادث خاصی مانند ورشکستگی، نقض اساسی تعهدات و تغییر در وضعیت حقوقی یکی از شرکاء، قرارداد نسبت به شخص اخیر به طور خود به خود خاتمه یافته و اخراج شود (حاتمی؛ کریمی‌ان، ۱۳۹۳، ۴۲۵).

از جمله وقایعی که در صورت تحقق، موجب اخراج یکی از شرکاء از گروه و یا خاتمه قرارداد نسبت به

۵-۳-۲. ورشکستگی

یکی از مواردی که ممکن است به اخراج و خاتمه قرارداد نسبت به شریک منتهی شود، ورشکستگی است.

بعضی از نویسندگان حقوقی بر این باور هستند که «با توجه به فلسفه وجودی گروه اقتصادی منافع مشترک که عمدتاً بر مبنای فعالیت تجاری تشکیل می‌گردند. ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه گروه اقتصادی را منافع مشترک تاجر تلقی نموده است در نتیجه صلاحیت‌های قانونی ناظر به تجار شامل حال گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز خواهد شد. به‌عنوان مثال باب یازدهم قانون تجارت که مربوط به ورشکستگی است به‌عنوان یکی از شیوه‌های انحلال و از نوع قهری شامل این گروه نیز خواهد شد» (فرخنده نژاد، ۱۳۹۲، ۴).

برخی معتقد می‌باشند «از دیگر شواهدی که گروه مشترک اقتصادی را به شرکت‌های اشخاص مقرر در قانون تجارت نزدیک می‌کند، تبصره ۳ ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه است که می‌گوید: فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود» (غفاری و اصغری، ۱۳۹۱، ۲).

با توجه به ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه ورشکستگی یکی از علل انحلال گروه اقتصادی با منافع مشترک است. گروهی که یک طرف آن شخص حقوقی قرار می‌گیرد اتحاد این گروه بر اثر ساختار تشکیلات و اهمیت آن در حوزه‌های مختلف مالی است. لذا در صورت ورشکستگی شخص حقوقی برای طرف دیگر گروه، بقا گروه با مشکل مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، گویی قانون‌گذار یا مصلحت‌اندیشی که برای بقاء گروه داشته است حکم به انحلال آن در حالت

ورشکستگی داده است. در حقیقت این ورشکستگی برای نهادی حقوقی که به فعالیت اقتصادی و تجاری می‌پردازد چیزی دور از انتظار نیست و گویی قانون‌گذار تمامی ابعاد و منافع اشخاص حقیقی و حقوقی را در نظر داشته است. اگرچه در نظر گرفتن این مورد از انحلال نزدیک شدن گروه اقتصادی را به شرکت اشخاص را به ذهن متبادر می‌سازد. لازم به ذکر است که این انحلال در صورتی رخ می‌دهد که خلاف آن توافق دیگری در قرارداد نشده باشد ولی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه در خصوص ورشکستگی ساکت است. برای تسهیل تصمیم‌گیری در خصوص اثر ورشکستگی ضروری است که در قرارداد پیش‌بینی شود، چنان‌چه یکی از شرکاء ورشکسته شود، خود به خود از گروه اخراج و قرارداد نسبت به آن شریک خاتمه خواهد یافت و در این صورت سرمایه‌گذاری مشترک با اعضای باقی مانده صورت می‌گیرد. چراکه ورشکستگی یکی از طرفین یا هرگونه محدودیت دیگر بر توانایی او برای اجرای حقوق و تعهدات خود می‌تواند باعث شود، عملکرد و مدیریت سرمایه‌گذاری مشترک به شدت مختل شود. با ورشکستگی یکی از شرکای گروه اقتصادی، وی عملاً اختیار خود را از دست می‌دهد؛ از این‌رو شرکاء به هنگام انعقاد قرارداد گروه توافق می‌کنند در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء، شریک مزبور خود به خود از گروه اخراج می‌شود و قرارداد نسبت به وی خاتمه می‌یابد؛ سازوکار اخراج اتوماتیک از گروه، در واقع همان «انفساخ ناشی از تراضی» یا «شرط فاسخ» است؛ شرط فاسخ نوعی تراضی است که دو طرف درباره انفساخ احتمالی قرارداد در آینده کرده و بدین وسیله تعهدهای ناشی از عقد را به عدم وقوع شرایط خاص محدود می‌کنند. نتیجه تحقق شرط فاسخ، انحلال قهری و

محسوب شده است مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه طور دیگری توافق شده باشد». در این فرض از اگرچه دیگر نیازی به تشکیل مجمع شرکاء به منظور اتخاذ تصمیم در خصوص اخراج شریک ورشکسته نیست، ولی در هر حال ورشکستگی او باید توسط کمیته مدیریت احراز شود؛ احراز این امر با صدور حکم ورشکستگی محقق می‌شود.

۵-۳-۳. تغییر در مدیریت و کنترل شریک

در صورتی که گروه اقتصادی متشکل از اشخاص حقوقی باشد، تغییر در مدیریت و کنترل یکی از شرکاء ممکن است به تغییر در رویکردها و تصمیم‌های آن‌ها منجر شود. در پاره‌ای مواقع یکی از استراتژی‌هایی که شرکت‌های بزرگ در راستای حذف رقبا به کار می‌گیرند، تصاحب اکثریت سهام شرکت‌های رقیب است تا با در اختیار گرفتن مدیریت و کنترل آن‌ها، راه را برای ورود به مشارکت هموار سازند. رقبا با چنین سازوکاری حق رأی شرکاء در کمیته مدیریت و مجمع شرکاء را به طور غیر مستقیم به دست آورده و تصمیم‌های گروه را در راستای اهداف خود در تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین معمولاً در قراردادهای گروه چنین پیش‌بینی می‌شود که هر یک از شرکاء متعهد هستند در صورت تغییرات اساسی در کنترل و یا مالکیت‌شان بلافاصله سایر شرکاء و کمیته مدیریت را از این امر مطلع سازند و این تغییر در مدیریت و کنترل یکی از شرکاء، از جمله مواردی است که ممکن است ضمانت اجرای آن مطابق توافق شرکاء، اخراج شرکت مزبور از گروه و از سرمایه‌گذاری مشترک باشد.

به عبارت دیگر از آنجایی که در قراردادهای گروه شخصیت هر یک از شرکاء از اهمیت بسزایی برخوردار است، معمولاً در قرارداد، پیش‌بینی می‌شود در صورت تغییر در مدیریت و کنترل

خود به خودی عقد است و نیاز به تصمیم‌گیری ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۴۴). در قراردادهای گروه شرکاء توافق می‌کنند در صورت ورشکستگی یکی از آن‌ها، قرارداد نسبت به او منفسخ و بدون نیاز به تصمیم‌گیری در این خصوص، شریک ورشکسته از گروه اخراج خواهد شد.

یکی از مناقشه‌های مربوط به اعمال ضمانت اجرای اخیر برخورد آن با قوانین مربوط به ورشکستگی در صورت ورشکسته بودن شریک متخلف است؛ به عنوان مثال در حقوق انگلستان این امر مورد بحث است که تصاحب کلیه سهم‌الشرکه شریک متخلف ورشکسته توسط سایر شرکاء، با حقوق طبقات مختلف طلبکاران شریک مزبور در تعارض است. در واقع ممکن است عدم تأمین منابع مالی توسط یکی از شرکاء به سبب ورشکستگی باشد و اعمال ضمانت اجرای اخیر، به منزله تصاحب سهم‌الشرکه‌ای است که طلبکاران شریک مزبور در آن ذی‌حق هستند. ناگفته نماند با وجود اخراج خود به خود شریک ورشکسته از گروه، نحوه تسویه حساب گروه با شریک مزبور، مطابق مقررات ورشکستگی کشوری که حکم ورشکستگی مطابق قوانین آن کشور صادر شده است، خواهد بود. مطابق مقررات ایران اخراج شریک ورشکسته از گروه از تاریخی خواهد بود که در حکم ورشکستگی در خصوص توقف، تعیین شده و اگر در حکم، تاریخ توقف تعیین نشده باشد، تاریخ صدور حکم تاریخ توقف محسوب می‌شود و در نظام حقوقی ایران نیز ضمانت اجرای از دست دادن کلیه سهم‌الشرکه در صورت ورشکستگی شریک متخلف، قابل اعمال نخواهد بود (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳، ۴۶۰). در تبصره ۳ ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ «ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی عضو گروه از موارد انحلال گروه

مستقیم یا غیرمستقیم بیش از ۵۰ درصد از حق رأی طرف مربوطه را دریافت می‌کند). طرفین ممکن است با توجه به آگاهی از شرایط خاص شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری مشترک را شکل می‌دهند، بخواهند این مطلب را در این توافقنامه درج نمایند. گفتنی است شیوه مزبور راجع به ضمانت اجرای نقض تعهدات، یکی از راهکارهایی است که به‌نوعی می‌توان در قرارداد گروه اقتصادی ایران پیش‌بینی و مورد توافق طرفین قرار گیرد.

۴-۵. جانشینی

اصولاً طرفین با این امید و پشتوانه وارد یک گروه اقتصادی می‌شوند که دست کم برای مدتی فعالیت مشترک را با کمک و همراهی طرف مقابل به‌پیش برند. لذا تقریباً در همه موارد طرفین خواهان نوعی تضمین برای ادامه فعالیت و همکاری هستند. در گروه اقتصادی که بدون وجود شرکت شکل می‌گیرند اصولاً ادامه فعالیت و همکاری صرفاً مبتنی بر قرارداد است و انتقال قرارداد یا به تعبیر صحیح‌تر انتقال حقوق و وظایف قراردادی به شخص ثالث تنها با موافقت طرف دیگر قرارداد امکان دارد، لذا تا زمانی که قرارداد به علتی از قبیل فسخ یا انفساخ از بین نرفته است، هر دو طرف می‌توانند مطمئن باشند که طرف مقابل امکان خارج شدن از گروه اقتصادی و انتقال حقوق و تعهدات خود به شخص ثالث را ندارد. بنابراین اگرچه انتقال سهام مشارکت امری اختیاری و وابسته به اراده شرکاست، ولی ممکن است در موارد نادر و استثنایی و نظر به مقتضیاتی، انتقال سهام محدود شود.

بنابراین اگر یکی از طرفین بخواهد با واگذاری حقوق و تعهدات خویش به غیر از گروه خارج شود ممکن است با برخی موانع قراردادی روبرو شود چراکه معمولاً در قراردادهای گروه قیود و شرایطی

یک از شرکاء، سایرین قادرند قرارداد را نسبت به شریک مذکور خاتمه داده و وی را از گروه اخراج کنند. تغییر در مدیریت و کنترل که در نتیجه تغییر در مالکیت سهام و حق رأی محقق می‌شود، آثاری هم‌چون انتقال سهم‌الشرکه و جانشینی دارد ولی برخلاف این موارد که انتقال به طور مستقیم محقق می‌شود و نیاز به رضایت تمامی شرکاء هست، تغییر در کنترل، روی جانشینی غیرمستقیم است که به وسیله تملک اکثریت سهام هر یک از شرکت‌های شریک توسط اشخاص ثالث رخ می‌دهد؛ از این‌رو با توسل به چنین سازوکاری، انتقال سهم‌الشرکه به صورت داخلی محقق می‌شود و دیگر تشریفات لازم برای انتقال سهم‌الشرکه، مانند رعایت حق تقدم یا لزوم کسب رضایت سایر شرکاء در این مورد ضرورتی ندارد.

تغییرکنترل بر یک طرف ممکن است یک دلیل موجه برای نگرانی جدی برای طرفین دیگر باشد، به‌ویژه هنگامی که یک طرف به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک رقیب خریداری می‌شود یا زمانی که به دلیل تغییر در کنترل، طرف مربوطه (و به همراه آن سرمایه مشترک) دیگر نمی‌تواند حمایت گروهی شرکت‌هایی را که برای کسب‌وکار سرمایه‌گذاری مشترک ضروری هستند، به دست آورد. به همین دلیل، قرارداد نمونه امکان اخراج را در بند ۱ ماده ۱۷ قرارداد نمونه در نظر گرفته است. در قرارداد نمونه هیچ تلاشی برای تعریف تغییر کنترل یا مالکیت صورت نگرفته است. از آنجایی که راه‌های زیادی برای اعمال کنترل وجود دارد، منصفانه بودن اخراج توسط طرف‌های دیگر تحت ماده ۱۷ قرارداد نمونه، بر یک مبنای مورد به مورد، یا توسط یک دیوان داوری تعیین می‌شود. در عمل یک مورد برای تعریف دقیق‌تر از تغییر کنترل وجود دارد (به عنوان مثال، شخص ثالثی که به طور

«بدین ترتیب شرکاء ممکن است محدودیت‌هایی را برای انتقال سهام در نظر بگیرند. این محدودیت‌ها محتمل است به طور مطلق باشند یعنی این که طرفین مقرر کنند هیچ نقل و انتقالی بدون رضایت طرف دیگر صورت نپذیرد. در این صورت به موجب ماده ۵۹۵ قانون مدنی ایران لازم خواهد بود سلب حق انتقالی سهام‌الشرکه بدون رضایت سایر شرکاء به طور جزئی صورت گرفته باشد. به عنوان نمونه در قرارداد مدت مشخصی برای این محدودیت پیش‌بینی گردد تا این که شریک ناراضی زندانی سهام خود نگردد. به علاوه محدودیت انتقال سهام در مدت معین و مشخص از آغاز فعالیت مشارکت معمولاً در مواردی مطرح می‌گردد که خروج یکی از شرکاء در آغازین فعالیت شرکت لطمه‌ی زیاد و جبران‌ناپذیری به مشارکت وارد می‌آورد. علت این امر ممکن است وابستگی شدید به منابع مالی و تخصص شریک مورد نظر باشد. به طور مثال یکی از شرکاء حق مالکیت فکری را که برای عملکرد شرکاء حیاتی می‌باشد وارد مشارکت نماید با وجود این با اعطای مجوز دائمی استفاده از این حق موافقت نمی‌نماید. بدین ترتیب وضع محدودیت بر انتقال سهام در چنین شرایطی می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب برای حفظ حقوق و منافع سرمایه‌گذاری مشترک در برابر خروج نابهنگام شریک مورد نظر تلقی گردد» (نیلانی، ۱۳۹۲، ۹۹). هم‌چنین در گروه اقتصادی با منافع مشترک قراردادی انتقال حصه شریک همانند مالکیت مشاع، نیاز به توافق سایر شرکاء دارد لیکن پذیرش اتفاق آراء یا نظام اکثریتی در گروه اقتصادی با منافع مشترک قراردادی، تابع توافق شرکاء در قرارداد گروه اقتصادی مربوطه می‌باشد.

برای واگذاری سهم‌الشرکه در نظر گرفته می‌شود که آزادی طرفین را برای نقل و انتقال حقوق اختیاری را محدود می‌کند. هم‌چنین معمولاً در قرارداد گروه توافق می‌شود چنان‌چه قرار شد سهم یکی از طرفین به شخص ثالث فروخته شود، خریدار باید واجد صلاحیت‌های خاص هم‌چون در فعالیت مورد نظر دارای تجربه و سابقه باشد یا مثلاً از لحاظ مالی توانایی کمک به فعالیت مورد نظر را داشته باشد یا مثلاً رقیب تجارتي سایر شرکاء محسوب نشود، باشد و این موضوع باید به تأیید سایر شرکاء برسد. در لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴ در این باره بیان داشته است «گروه اقتصادی با منافع مشترک در طول دوره فعالیت خود می‌تواند با رعایت شرایط قراردادی که براساس آن تشکیل شده عضو جدید بپذیرد و هریک از اعضاء نیز می‌تواند با رعایت شرایط قرارداد از گروه خارج شود مشروط بر اینکه تعهدات خود را انجام داده باشد یا با موافقت سایر اعضاء به نحو مؤثری ترتیب انجام آن را بدهد» فرد جایگزین باید توسط اعضا تأیید شود و باید در آغاز سال مالی آینده حضور او به رسمیت شناخته شود. و در طی این مدت، از حقوق یک سرمایه‌گذار جدید برخوردار نمی‌باشد اما در سال مالی آینده در جایگاه سرمایه‌گذار انتقال دهند قرار بگیرد و هر نوع تعهد یا ضمانت مدت‌داری که ممکن است به طرف جایگزین ارائه شود، سرمایه‌گذار انتقال دهنده نباید از تاریخ قطعی واگذاری به عنوان سرمایه‌گذار و شریک تجاری در نظر گرفته شود. او نباید هیچ ادعایی نسبت به دیگر سرمایه‌گذاران داشته باشد (بیانگرد، ۱۳۸۱، ۸۵). هم‌چنین قرارداد گروه اقتصادی نیز می‌تواند مقررات و محدودیت‌های خاصی ایجاد نماید (خزائی؛ بدری، اهری، ۱۳۶۹، ۱۲۸).

با تحقق انتقال کلی، شریک از شرکت خارج شده و هیچ حقوقی در شرکت بعد از زمان انتقال نخواهد داشت. البته این امر منافاتی با حقوق شریک نسبت به زمان قبل از انتقال ندارد. بنابراین اگر شریک قبل از انتقال سهم‌الشرکه خود، بابت سود و منافع شرکت مطالباتی داشته باشد بعد از انتقال نیز حقوق وی هم‌چنان باقی بوده و می‌تواند آن‌ها را وصول نماید مگر اینکه شریک به همراه انتقال سهم‌الشرکه، این قبیل حقوق را نیز به منتقل‌الیه انتقال داده باشد که در این صورت منتقل‌الیه به قائم‌مقامی انتقال‌دهنده استحقاق دریافت و مطالبه آن‌ها را خواهد داشت (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳، ۴۸۱).

۵-۵. کناره‌گیری یا استعفاء

کناره‌گیری برخلاف جانشینی یا انتقال سهم‌الشرکه به اشخاص ثالث، هنگامی مطرح می‌شود که یکی از شرکاء قصد کناره‌گیری از مشارکت را دارد ولی انتقال سهم‌الشرکه امکان‌پذیر نیست. در صورتی که کناره‌گیری یکی از شرکاء باعث ایجاد مشکلاتی برای گروه شود و عملیات اجرایی آن را مختل سازد، مجمع شرکاء می‌تواند تشکیل جلسه داده و با دلایل موجه و قراردادی کناره‌گیری شریک مزبور را تا مدت مشخصی به تعویق بیندازد.

در صورت بروز اختلاف بر سر تصمیم مجمع شرکاء، چنانچه به تشخیص مرجع رسیدگی، تصمیم‌گیری در خصوص به تعویق انداختن کناره‌گیری شریک مزبور از مشارکت بدون دلیل موجه و منطقی اتخاذ و باعث ورود خسارت شده باشد، او می‌تواند خسارت وارد شده را از سایر شرکاء به نسبت سهامشان در گروه مطالبه کند. کناره‌گیری از گروه از تاریخی که شرکاء موافقت کرده‌اند، مؤثر و لازم‌الاجرا می‌شود. پس از

کناره‌گیری یکی از شرکاء از گروه، مجمع شرکاء تشکیل جلسه داده و در خصوص چگونگی ادامه مشارکت بین شرکای باقیمانده تصمیم‌گیری می‌کند؛ در صورت تصمیم بر بقای مشارکت، همه حقوق و تعهدات قراردادی شریک منظور به تناسب میزان مشارکت سایر شرکاء، به آن‌ها منتقل می‌شود. در کناره‌گیری از گروه نیز، هر یک از شرکاء (که از مشارکت کناره‌گیری کرده‌اند) موظف است به تعهداتی که به موجب قرارداد برای پس از خروج از گروه به عهده می‌گیرد، عمل کند؛ از مهم‌ترین این تعهدات، تعهد به عدم رقابت با گروه اقتصادی و تعهد به رازداری است.

اقتضای اصول حقوقی این است که با کناره‌گیری شریک از مشارکت، هیچ مسئولیتی در قبال تعهدات سرمایه‌گذاری مشترک نداشته باشد ولی در قرارداد نمونه با توجه به اهمیت شخصیت شرکاء و به منظور جلوگیری از تضرر اشخاص ثالث و طلبکاران، چنین پیش‌بینی شده که شریک بعد از خروج از گروه نیز در خصوص دیون ناشی از گروه که در زمان شراکت هر یک از شرکاء در مشارکت شده، ولی تا هنگام خروج از او کشف نشده باشد تا مدت مشخصی پس از خروج از گروه، شریک خارج‌شده به نسبت سهامی که در مشارکت داشته، مسئول پرداخت آن دیون خواهد داشت. البته در مورد مسئولیت تضامنی انتقال‌دهنده باید بین دو مورد قائل به تفکیک شد. بدین معنی که شریک مزبور نسبت به بدهی‌های شرکت در زمانی که شریک بوده‌اند (یعنی زمان قبل از انتقال سهم‌الشرکه) در هر حال مسئولیت تضامنی دارد اعم از آن‌که انتقال سهم‌الشرکه و خروج او از شرکت در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت شده یا نشده باشد ولی نسبت به بدهی‌های شرکت بعد از خروج او از شرکت، شریک مزبور در صورتی مسئول خواهد بود

که خروج او از شرکت و انتقال سهم‌الشرکه او در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده باشد. زیرا در این صورت اشخاص ثالث به تصور اینکه او هم‌چنان شریک شرکت است و با شرکت معامله می‌نماید و در صورت مسئول نبودن ایشان اشخاص ثالث متضرر می‌شوند. برای جلوگیری از تضرر آن‌ها باید وی را هم چنان مسئول دانست (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳، ۴۸۱).

پرسش مهم این است که برای اینکه انتقال‌دهنده در مقابل اشخاص ثالث نسبت به بدهی گروه در زمان بعد از انتقال سهم‌الشرکه مسئول نباشد، صرف ثبت انتقال سهم‌الشرکه و جایگزینی منتقل‌الیه در اداره ثبت شرکت‌ها کافی است یا علاوه بر آن باید مراتب در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه کثیرالانتشار گروه نیز آگهی شده و انتشار یابد؟ در پاسخ باید گفت: مستفاد از ماده ۲۰۰ ق.ت که ناظر به ماده ۱۹۵ و ۱۹۷ ق.ت می‌باشد این است که صرف ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها کافی نبوده و باید مراتب در روزنامه رسمی آگهی و منتشر شود. ماده ۲۰۰ ق.ت مقرر می‌دارد: «در هر موقع که تصمیمات برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آن‌ها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعایه است...». ماده ۱۹۷ ق.ت نیز مقرر داشته است: «در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت، خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد». ماده ۹ نظامنامه مذکور در ماده ۱۹۷ که به نظامنامه قانون تجارت وزارت عدلیه مصوب ۱۳۱۱ معروف است به صراحت

که خروج او از شرکت و انتقال سهم‌الشرکه او در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده باشد. زیرا در این صورت اشخاص ثالث به تصور اینکه او هم‌چنان شریک شرکت است و با شرکت معامله می‌نماید و در صورت مسئول نبودن ایشان اشخاص ثالث متضرر می‌شوند. برای جلوگیری از تضرر آن‌ها باید وی را هم چنان مسئول دانست (حاتمی؛ کریمیان، ۱۳۹۳، ۴۸۱).

پرسش مهم این است که برای اینکه انتقال‌دهنده در مقابل اشخاص ثالث نسبت به بدهی گروه در زمان بعد از انتقال سهم‌الشرکه مسئول نباشد، صرف ثبت انتقال سهم‌الشرکه و جایگزینی منتقل‌الیه در اداره ثبت شرکت‌ها کافی است یا علاوه بر آن باید مراتب در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه کثیرالانتشار گروه نیز آگهی شده و انتشار یابد؟ در پاسخ باید گفت: مستفاد از ماده ۲۰۰ ق.ت که ناظر به ماده ۱۹۵ و ۱۹۷ ق.ت می‌باشد این است که صرف ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها کافی نبوده و باید مراتب در روزنامه رسمی آگهی و منتشر شود. ماده ۲۰۰ ق.ت مقرر می‌دارد: «در هر موقع که تصمیمات برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آن‌ها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعایه است...». ماده ۱۹۷ ق.ت نیز مقرر داشته است: «در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت، خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد». ماده ۹ نظامنامه مذکور در ماده ۱۹۷ که به نظامنامه قانون تجارت وزارت عدلیه مصوب ۱۳۱۱ معروف است به صراحت

۶. نتیجه‌گیری

۱- مجموع حقوق شریک در گروه اقتصادی با منافع مشترک که از آن به سهم‌الشرکه تعبیر می‌شود، به عنوان یک حق مالی، اصولاً قابل نقل و انتقال است. در گروه اقتصادی، جابه‌جایی شرکاء تأثیر مهمی در سرنوشت سرمایه‌گذاری مشترک داشته و می‌توان انتظار داشت که سایر شرکاء نسبت به آن حساس باشند چرا که به طور طبیعی شخصیت هر شریک برای سایرین اهمیت داشته و دو خواسته متضاد در برابر یکدیگر قرار می‌گیرد؛ خواسته شریکی که مایل است سهم‌الشرکه را به بالاترین قیمت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن واگذار نماید و خواسته سایر شرکاء که به عدم تمایل طبیعی آنان به قرار گرفتن در برابر شرکای ناخواسته و شخصیت شریک جدید گروه اهمیت داده و مایلند انتقال موکول به رضایت ایشان باشد و در توافق‌نامه نمونه سعی شده است نقطه تعادل این دو خواسته متضاد را پیش‌بینی شده است.

۲- آسان کردن تنظیم روابط اجتماعی ایجاب می‌کند که قانون‌گذار اصل بر رضایی بودن عقود

بهرتر است به منظور حمایت از حقوق شرکاء، در قراردادهای گروه اقتصادی با منافع مشترک در ایران تغییر در کنترل و مدیریت یکی از شرکاء، از جمله تخلف قراردادی محسوب و سایر شرکاء قادر باشند از این طریق به ادامه حضور شریک متخلف در مشارکت خاتمه داده و او را از گروه خارج کنند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

قرار داده و تنها در موارد ضرورت، اعلان اراده را به شکل یا اشکال خاصی مقید نمایند. در این میان نقل و انتقال سهم‌الشرکه وضعیت خاصی دارد. از منظر رابطه میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده دلیلی بر مداخله قانون‌گذار به منظور تشریفاتی نمودن این عقد نمی‌توان یافت اما از منظر رابطه شریک و سایر شرکاء و اشخاص ثالث این ضرورت به خوبی احساس می‌شود که سایر شرکاء و اشخاص ثالث مرتبط با گروه نباید در شناسایی شریک دچار تردید و زحمت شود. به نظر می‌رسد که برای جمع میان اصل رضایی بودن عقود و امنیت سایر شرکاء و اشخاص ثالث، روش مناسب وضع تشریفاتی باشد که عدم رعایت آن‌ها مانع وقوع نقل و انتقال نگردد بلکه تنها قابلیت استناد آن در برابر سایر شرکاء و طلبکاران گروه را از بین ببرد بر این اساس طرفین آزادند که به هر شکل اراده خویش مبنی بر نقل و انتقال سهم‌الشرکه را اعلان نمایند اما سایر شرکاء فقط شخصی را به عنوان شریک جدید می‌شناسند که حقوق خویش در قرارداد گروه را به صورت مقرر در قرارداد ثابت نماید.

۳- درج شرط التزام در قرارداد مشارکت که حق کناره‌گیری شریک را محدود کند و باعث تحدید آزادی شخصی او شود، در صورتی که این کناره‌گیری از گروه باید با حسن نیت و بدون قصد ایراد لطمه و خسارت به گروه باشد، به علت اینکه بین منافع شریکی که قصد کناره‌گیری از مشارکت را دارد و منافع گروه تعارض وجود دارد، بر مبنای آثار ضمنی شرط تعهد به امانت‌داری، منافع گروه اقتصادی بر منافع شریک مزبور ترجیح داده می‌شود و همین امر تصمیم مجمع شرکاء مبنی بر به تعویق انداختن کناره‌گیری شریک مزبور از مشارکت را توجیه می‌کند و این شرط متضمن تحدید نامعقول آزادی فردی نمی‌باشد هم‌چنین

منابع

فارسی

- غفاری، بهنام؛ اصغری، زینب، «مقاله گروه اقتصادی با منافع مشترک»، انتشار در روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/ ۸/۲.
- فرحناکیان، فرشید، «مقاله گروه اقتصادی با منافع مشترک چیست؟» انتشار در خبرگزاری فارسی، ۱۳۹۷.
- فرخنده نژاد، سماء، بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۹۳.
- بردبار، محمدحسین، صلاحیت در دیوان‌های داوری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶.
- بیانگرد، حسین، «جنبه‌های حقوقی مشارکت تجاری بین‌المللی»، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- جنیدی، لعیا، قانون داوری تجاری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتوی قانون و قرارداد سرمایه‌گذاری، چاپ اول، تهران، انتشارات تیسرا، ۱۳۹۳.
- حائری شاه‌باغ، سید علی، شرح قانون مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲.
- حقانی، سعید، گروه منفعت اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۱.
- خبره، ولی‌الله، «مشارکت‌های انتفاعی موسوم به J.V»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۸۰.
- خزائی، حسین؛ بدری‌اهری، رسول، «بررسی اجمالی مفهوم حقوقی JV در حقوق آمریکا و حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره سیزدهم، ۱۳۶۹.
- سکوتی‌نسیمی، رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ دوم، تهران، نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۷.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجمع علمی- فرهنگی مجد، ۱۳۸۳.
- عباسی داکانی، خسرو، «مصالح عمومی و اجتماعی»، نشریه حقوق، شماره چهل و هشتم، ۱۳۸۲.
- عبده بروجردی، محمد، کلیات حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۰.
- نیلانی سنگری، فرزانه، «گروه اقتصادی با منافع مشترک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲.
- عربی انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، جلد پنجم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰.
- حسینی مراغه‌ای، سید میرعبدالفتاح، عناوین، جلد دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸.
- علامه حلی؛ حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی؛ قواعد الاحکام، جلد دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸.
- میرزای نائینی، محمدحسین، منیة الطالب فی شرح المکاسب، جلد سوم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱.
- نراقی، مولی احمد، عوائد الایام، جلد اول، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۰.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني